

# صدای پای تهدید جدید برای آموزش و پرورش تخصصی

۷ و ۳



## فلسوف ایران

درباره ایده مرحوم کریم مجتهدی که دغدغه وطن داشت

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران  
صدای زنجیرگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه  
۵۰۰۰ تومان



فصل جدید: یادبود مضمون:  
روایت سال‌های جنگ

www.f... | No. 4059 | 16 Pages

شماره مسلسل ۳۲۹۷  
مشتبه دی ۱۴۰۷  
۲ رجب ۱۴۴۵  
۱۶ ژوئیه ۲۰۲۳  
شماره ۲۰۵۹



کمال تبریزی در گفت‌وگو با اکبر نبوی در مجله تصویری «قاف»  
از ممیزی، ساترا، سینما و ... می‌گوید

# نهادهای نظارتی اقتناعی رفتار نمی‌کنند

۱۳ و ۱۲

استارت‌آپ‌های فعال حوزه بازی از چالش‌های فعالیت‌شان می‌گویند

## مهاجرت؛ باگ صنعت بازی سازی ایران

۱۴

رضا غلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

## در فهم متدولوژی علوم انسانی دچار تصور مثبت شده‌ام

۱۵

ترامپ آرژانتین در اقتصاد چه می‌کند

## مسیر دشوار نئولیبرالیسم شورشی

۱۶

## کریم مجتهدی فلسوفی وقف فلسفه

یادداشت



سهیلا عباس پور  
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

و تجدید، «آشنایی ایرانیان با فلسفه‌های جدید غرب» و آخرین کتابش «مغولان و سرنوشت فرهنگی ایران» اشاره کرد. روح ایران دوستی مرحوم مجتهدی و اهمیت هویت ملی ایران و میراث فکری و معنوی آن، او را قائل به این گزاره می‌کرد که همواره فلسفه روح فرهنگ است و شکوفایی حیات اجتماعی رابه‌ارمغان می‌آورد و نقش اصلی فلسفه صدراع‌داد ایران را ایجاد نوعی وحدت فرهنگی برمی‌شمارد. لذا، او فلسفه را در پیوند با زندگی روزمره لازم می‌دانست. بنابراین، در رویارویی با غرب و تبیین نسبت ما ایرانیان با غرب، ورود اندیشه و فرهنگ و تمدن غرب به ایران را در هنگامه تاریخی آن و توسط دست‌اندرکاران این مواجهه با غرب را بررسی کرد تا تأثیر این مواجهه را بر تحولات داخلی و رخدادهایی که در ایران پیش آمد نشان دهد و تجدید در ایران را نیز از این منظر تحلیل کند و ۳۰ سال اخیر را دوران فترت اندیشه ایرانی بخواند و در نتیجه به این برسد که نفی سنت فلسفی گذشته ایران دردی رادوا نخواهد کرد و زین پس هر زایش فکری و فلسفی دیگری هم در ایران صورت گیرد از آیش‌خور این سنت فلسفی خواهد بود. این اندیشمند با توجه به اینکه دستی در پژوهش تاریخی داشت، این رویکرد انتقادی خود را در بررسی وضعیت مواجهه ایران با همسایه‌ای مانند مغول حفظ کرد و او نیز قائل به ایده مقاومت فرهنگی ایران و نیز بسط و گسترش میراث فرهنگی آن در شرایط رویارویی با دشمنان بود. او در پرسش از چگونگی شرایط فلسفه در ایران، وضعیت آن در دوران معاصر را با توجه به تألیف و ترجمه‌های بی‌شمار، در حال بهتر شدن می‌دانست. اما با این وجود معتقد بود هر مترجمی نمی‌تواند مترجم آثار فلسفی باشد و ترجمه متون فلسفی نیاز به معادل‌یابی دقیق فارسی دارد و بر این نکته تأکید داشت که نفس زبان فارسی و حفظ صلابت آن سبب مصونیت از اضمحلال و انحطاط فرهنگ خواهد بود. غرب‌شناس بودن به دور از غرب‌زدگی پناهنده‌گرایی مجتهدی، راهی برای اندیشیدن درست در چهارچوب ایران و پرسشگری از غرب بود.

کریم مجتهدی، استادانام آشنای فلسفه، در سن ۹۳ سالگی دارفانی را ودید گفت. او که بیشتر به دلیل تدریس و ترجمه آثار فلسفی غرب به‌ویژه هگل در ایران مشهور است، در آیین بزرگداشتی که به پاس قدرانی از وی خردادماه ۱۴۰۲ برگزار شد، زندگی علمی‌اش را در سه برهه بنیادی توصیف کرده است: دوره اول تحصیلاتی که در دانشگاه سوربن پاریس داشت که حدود ۱۲ سال به طول انجامید و تقریباً یک سال قبل از پایان دوره دکتری به ایران بازگشت. وی در این دانشگاه بیشتر زبان فرانسه و اندکی انگلیسی و آلمانی و حتی دستور زبان لاتین را یاد گرفت. رشته اصلی‌اش فلسفه بود و در پایان موفق به گرفتن مدرک در رشته‌های جامعه‌شناسی، اخلاق، روانشناسی و علوم رفتاری، شناخت روش علوم و منطق، مقدمات فلسفه، تاریخ فلسفه، فلسفه عمومی و فلسفه هنر شد.

مجتهدی در مرحله دوم زندگی و پس از بازگشت به ایران به نگارش آثار و ترجمه مقالاتی که به زبان فرانسه چاپ کرده بود پرداخت و پس از تأیید اساتید سرشناس وقت به‌ویژه یحیی مهدوی و گذراندن امتحان به تدریس در دانشگاه تهران دعوت شد و ۳۵ سال از زندگی‌اش را صرف تدریس و آموزش در این دانشگاه کرد. حضور این استاد فرهیخته و کوشا در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سومین مرحله حیات علمی‌اش بود که بیش از ۱۵ سال به طول انجامید و حاصل آن چاپ آثار گوناگون و کتاب‌های متعدد بود. از جمله آثار منتشرشده مرحوم مجتهدی می‌توان به «فلسفه نقادی کانت»، «فلسفه در قرون وسطی»، «دکارت و فلسفه او»، «پدیدارشناسی روح بر حسب نظر هگل»، «افکار کانت»، «فلسفه در آلمان»، «مدارس و دانشگاه‌های اسلامی و غربی در قرون وسطی»، «افکار هگل»، «لایب‌نیتس و مفسران فلسفه او»، «سهروردی و افکار او: تأملی در منابع فلسفه اشراق»، «افلاطونیان متأخر: از ادریوس تا ویکتور کوزن»، «فلسفه

و در هیچ نقطه تاریخ، زمانی که تفکر فلسفی ضعیف بوده، زایشی صورت نگرفته است. به همین خاطر از او فارابی تا میرداماد تا ملاصدرا و دیگر میراث سنت خودمان را بسیار بااهمیت می‌دانست و معتقد بود اگر قرار است علمی هم شکل بگیرد باید با تفکرات فلسفی سنت خودمان شکل گیرد تا ایرانی بودن ما را متمایز کند.

تجددزدگی از دین‌زدگی و سنت‌زدگی خطر بیشتری دارد؛ بحثی وجود داشت که دین و سنت‌گرایی در پساانقلاب باعث شد که عنصر عقلانیت در ایران شکست بخورد اما کریم مجتهدی ابتدا اعتقاد داشت بحث شکست عقلانیت صحیح نیست اما اگر قصد تبارشناسی شکست عقلانیت در ایران را دنبال کنیم قطعاً به قبل از انقلاب و دوره مدرنیزاسیون افراطی ربط دارد؛ چراکه آن دوره بود که عنصر عقل را به ساخت نوعی برنامه‌ریزی تقلیل داده بود و حل خود نمی‌دانست و آنجا بود که عقلانیت با شکست رویه رو شده بود. اما اگر از همان دوره درس بگیریم، این تجددزدگی ما بود که تفکر را به سطح نازلی کاهش داد و تا همین الان هم همراه ماست و اگر در مقابل عنصر دین و سنت بخوایم در نظر بگیریم؛ هرچند افراط رویه‌ای قطعاً خطاست و اشکالاتی هم وجود دارد اما جامعه ایران و علی‌الخصوص جامعه فعلی ما را دین یا سنت به سمت عدم تفکر سوق نداده است و دین بیشتر نقش وحدت‌بخش را داشته است. آنچه باعث شده ما با نوعی تبیلی فکر آن هم در نسل جدید رویه رو شویم، بیشتر نوعی تجددزدگی بوده که با مانع از تفکر بوده یا فکر را در سطحی تصور می‌کرده که جنبه نمادین دارد.

غرب‌شناسی غرب‌زدگی نیست؛ به‌عنوان آخرین مبحث باید گفت کریم مجتهدی معتقد بود ایرانی بودن اراده در ایرانی ماندن دارد و در عصر حاضر برای شناخت خود باید غرب را شناخت و شناخت غرب از طریق دقت در آراء و عقاید اهل فلسفه و معرفت آنجا شکل می‌گیرد. این شناخت نوعی حل شدن در ذات انسانی و جامعه غربی نیست بلکه نوعی فهم از وقایع برای افق‌گشایی در ساحت ایرانی بودن و چگونگی ایرانی بودن است. در این مسیر بسیاری به جای آنکه غرب را ابژه ایرانی‌ت کنند، ایران و ایرانی‌ها را ابژه غربی‌ها می‌کنند که این، مطالعه غرب‌شناسی نیست بلکه نوعی غرب‌زدگی است و غرب‌زدگی همیشه ما را دچار بیرون‌راندن از ساحت هستی کرده است و اراده ایرانی بودن که مقاومت فرهنگ ایران برای بقا و امید است را نابود کرده است. در نتیجه آنچه ما به آن احتیاج داریم، نه مطالعاتی صرف درباره غرب بلکه مطالعاتی در باب غرب برای خلق تصویر خودمان در عالم است و نشان دادن آنکه ایرانی و ایرانی‌ت بیش از آن اهمیت دارد که دیگر مدلی از غربی شدن شود.

همین دلیل همیشه در حال شدن و کامل شدن، بوده است. عباس میرزا زیاد است؛ مجتهدی در گفت‌وگوهای متمادی خود دقت خاصی در پرسش عباس میرزا بعد از شکست ایران از روس‌ها داشت اما نگاهش این بود که این سوال نوعی تبیلی با عبور زود هنگام از وضعیت سخت است. مجتهدی با تقد پرسش ساده‌انگازانه عباس میرزا به این نکته توجه داشت که نمی‌شود راه ۱۰۰ ساله را یک‌روزه طی کرد. به این خاطر پرسش عباس میرزا را نوعی ساده‌سازی مسأله معرفی می‌کرد و بحثی که داشت این بود که از این مدل پرسش‌ها زیاد است و خیلی نباید جدی گرفته شوند. گویی در دل تاریخ ما عباس میرزاها همیشه مانع از تفکر شدند و سعی داشتند خیلی زود به ساده‌ترین پاسخ برسند و چنین افراد و پرسش‌هایی از این دست را زیاد می‌دانست اما آنچه ایران و ایرانی را آباد و پیشرفته می‌کند، تفکر بیرون‌ساخت ساده‌سازی است که عباس میرزا سعی داشت متوجه آن شود. - تجدید دعوت به سحر و جادو نیست؛ مجتهدی در باب مواجهه ما با تجدید، نگاهی مثل عباس میرزا را سحرآمیز می‌دانست و تأکید داشت تجدید و مواجهه ما با غرب به صورت عجزولانه هیچ‌گاه راه حل نبوده است. این تصور که ما شبیه به غرب شویم و هر مسیری را غرب طی کرده است ما هم برویم تا به سرعت به توسعه و پیشرفت نائل شویم، قطعاً درکی غیردقیق و با افکاری عجزولانه است که تصور می‌کند غربی شدن نوعی عملیات سحرآمیز است که باید به سرعت فراگرفت و در جغرافیای خودمان پیاده‌سازی شود. این درک را مجتهدی به نقد می‌کشید که این مواجهه با تجدید بدوی‌ترین مواجهه است و هیچ غایتی ندارد به جز آنکه اراده ایرانی بودن مان را در بلندمدت خواهد گرفت و ما را تهی از ایرانی‌ت می‌کند.

علیه تجدید کاذب؛ کریم مجتهدی در بحث خود ناظر به غرب، یکی از محفل‌هایی را که معتقد بود باید دقیق شناخت، دانشگاه معرفی می‌کرد اما اعتقاد داشت دانشگاه‌ها برخی موارد دوگانه علم و فلسفه را شکل می‌دهند و خیلی سریع دوست دارند نتیجه‌گیری کنند. او بیان می‌کرد عده‌ای می‌گویند این پرسش‌های فلسفی ما را از علم دور می‌کند. آنها در ذهن‌شان این‌گونه نقش بسته است که مثلاً عمل نیوتن، عملی علمی است و کاری که به طور مثال کانت یا دیگر فیلسوف‌ها کرده‌اند غیرعلمی است اما متوجه نیستند که عمل نیوتن برگرفته از فلسفه عصر خود بوده است و اگر فلاسفه با دگرگونی خاصی عصر خود را تغییر معرفی نمی‌دانند، اصلاً علمی که نیوتن قصد داشت صورت دهد، شکل نمی‌گرفت. این دوگانه ساده‌انگاری شده را او نوعی تجددمایی کاذب صورت‌بندی می‌کرد. یعنی مگر می‌شود در دانشگاهی که فلسفه ضعیف است اصلاً علمی شکل بگیرد

## ایرانی کیست؟

یادداشت



سیدجواد نقوی  
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

ایرانی بودن در اراده به ایرانی بودن است. این جمله را جناب کریم مجتهدی در برنامه شوکران در سال ۱۳۹۸ چند بار تکرار کرد و معتقد بود هر فرد ایرانی باید ذات امیدواری داشته باشد؛ چراکه امید یکی از عمل‌های بنیادی هر ایرانی است. در مقابل او پیام فضلی‌نژاد به‌عنوان مجری که تلاش داشت وضع آینده را با ابهام تصویر کند، با جمله تکراری رویه‌رو می‌شد که ایرانی بودن در اراده به ایرانی ماندن است و حتی به صراحت بیان کرد که ایرانی بودن به کد ملی نیست و اراده است که ما را ایرانی می‌کند. آنچه کریم مجتهدی در تمام سال‌های فعالیت خود به‌عنوان یک فیلسوف و غرب‌شناس ظاهراً سعی داشته است بیان کند، پاسخ به پرسش مهمی است که چگونگی باید ایرانی ماند و تفکری که ما را ایرانی می‌کند چیست؟ مجتهدی معتقد بود که ایران یک فلات یا یک جغرافیا نیست و ایده‌های ناسیونالیستی صرف هم نبود بلکه اعتقاد داشت ایران جایی است که عنصر فکر در همه مراحل تاریخ از بحران‌ها فرصت خلق کرده است و ایران و تفکر با یکدیگر رابطه رفت‌وبرگشتی دارند و فرد ایرانی کسی است که قائل به عنصر فکر باشد و اراده به ایرانی بودن، یعنی عمل به تفکر و از طریق عنصر فکر است که فرد ایرانی عاشق ایران می‌شود و این تفکر بوده که در دل تاریخ از جمله مغول‌ها تا دیگر تصرف‌های تاریخی، ایرانی‌ها را همیشه مقام و امیدوار به آینده کرده است. در نتیجه اگر کسی ایرانی باشد باید به آینده امیدوار باشد و امید و ایران با هم گره خورده است. به همین جهت هر آنچه باعث کاهش و ضعف اراده ایرانی بودن می‌شود را کریم مجتهدی با نقد رویه‌رو می‌کرد؛ چراکه ایشان با دقت نظر خاصی سعی می‌کرد شکلی از انسان ایرانی را معرفی کند که بیش از آنکه در وضعیت زیستن خود گرفتار تحولات وسیع باشد، با عنصر تفکر از تحولات به‌عنوان یک فرصت برای ارتقای ایران استفاده می‌کند. باید گفت منظومه فکری ایشان دارای ظرفیت‌های خاصی است که سعی می‌کنم فقط به بخش کوچکی از آنها اشاره کنم.

- معنای زیستن را باید متوجه شد؛ کریم مجتهدی معتقد بودند زندگی برای یادگیری است نه برای موارد دیگر. این نگاه او به زندگی صرفاً به جهت سال‌ها فلسفه‌ورزی نبود بلکه او زیستن را در گرو یادگیری و تفکر فرض می‌گرفت و معتقد بود اگر فرد با جامعه در زندگی در حال یادگیری نباشد گویی اصلاً نمی‌تواند خوب زندگی کند؛ چراکه زیستن با یادگیری است که معنا پیدا می‌کند. به همین خاطر او انسان ایرانی را به عنصر یادگیری دعوت می‌کرد، زیرا نگاهش این بود که ایرانی در تمام مراحل تاریخ در حال یادگیری بوده و به



فصل جدید رادیو مضمون منتشر شد!

رادیو مضمون، کاری از گروه پادکست‌های همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان

@radiomazmoon

## روایت سال‌های جنگ